

ایران در دوره قحطی

روایتی از دیدار شرق و سفر رفت و بازگشت

(۱۸۷۳ میلادی / ۱۲۹۰ هجری قمری)

ویلیام بریتل بنک

ترجمه

سیده فاطمه یاحسینی

سرشناسه	: بریتلبنک، ویلیام Brittlebank, William
عنوان و نام پدیدآور	: ایران در دوره قحطی - روایتی از دیدار شرق و سفر رفت و بازگشت (۱۸۷۳ میلادی/ ۱۲۹۰ هجری قمری)/ ویلیام بریتلبنک: ترجمه سیده فاطمه یاحسینی.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۱ ص: ۱۴/۵*۲۱/۵ س م.
فروست	: تاریخ معاصر ایران: ۸۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۵۵-۳
یادداشت	: عنوان اصلی: Persia During the Famine: a Narrative of a Tour in the East and of the Journey out and Home, 1873
یادداشت	: نمایه
موضوع	: ایران-سیر و سیاحت-قرن ۱۳ ق.
موضوع	: Iran--Description and travel--19 th Century
موضوع	: بریتلبنک، ویلیام-سفرها-ایران
موضوع	: Brittlebank, William--Travel--Iran
شناسه افزوده	: یاحسینی، سیده فاطمه، ۱۳۷۰- مترجم
رده بندی کنگره	: DSR۱۳۷۹:
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۴:
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۹۷۱۱۴:



ایران در دوره قحطی
روایتی از دیدار شرق و سفر رفت و بازگشت
(۱۸۷۳ میلادی / ۱۲۹۰ هجری قمری)

نویسنده: ویلیام بریتلبنک

مترجم: سیده فاطمه یاحسینی

انتشارات شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazhketab.net

فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه دکتر ویلم فلور بر ترجمه فارسی این اثر
۱۷	مقدمه مؤلف
۱۹	فصل اوّل: از لندن به جزیرهٔ مالت
۲۹	فصل دوّم: از مالت به سوئز
۴۳	فصل سوّم: از سوئز تا سیلان
۶۵	فصل چهارم: از گال به کلمبو، کندی، مدرّس و بمبئی
۷۳	فصل پنجم: از مدرّس و بمبئی تا بندرعباس
۸۷	فصل ششم: از بندرعباس به بوشهر
۹۳	فصل هفتم: بوشهر
۱۰۱	فصل هشتم: از بوشهر به برازجان
۱۱۱	فصل نهم: از برازجان به شیراز
۱۲۳	فصل دهم: شیراز
۱۳۳	فصل یازدهم: از شیراز به اصفهان

۱۴۵ فصل دوازدهم: از شیراز به اصفهان (ادامه)
۱۶۳ فصل سیزدهم: از اصفهان تا رشت
۱۸۷ فصل چهاردهم: از رشت تا انزلی
۱۹۹ فصل پانزدهم: از انزلی به آستاراخان و نیژنی نووگورود
۲۱۱ فصل شانزدهم: خانه
۲۱۵ فهرست اعلام

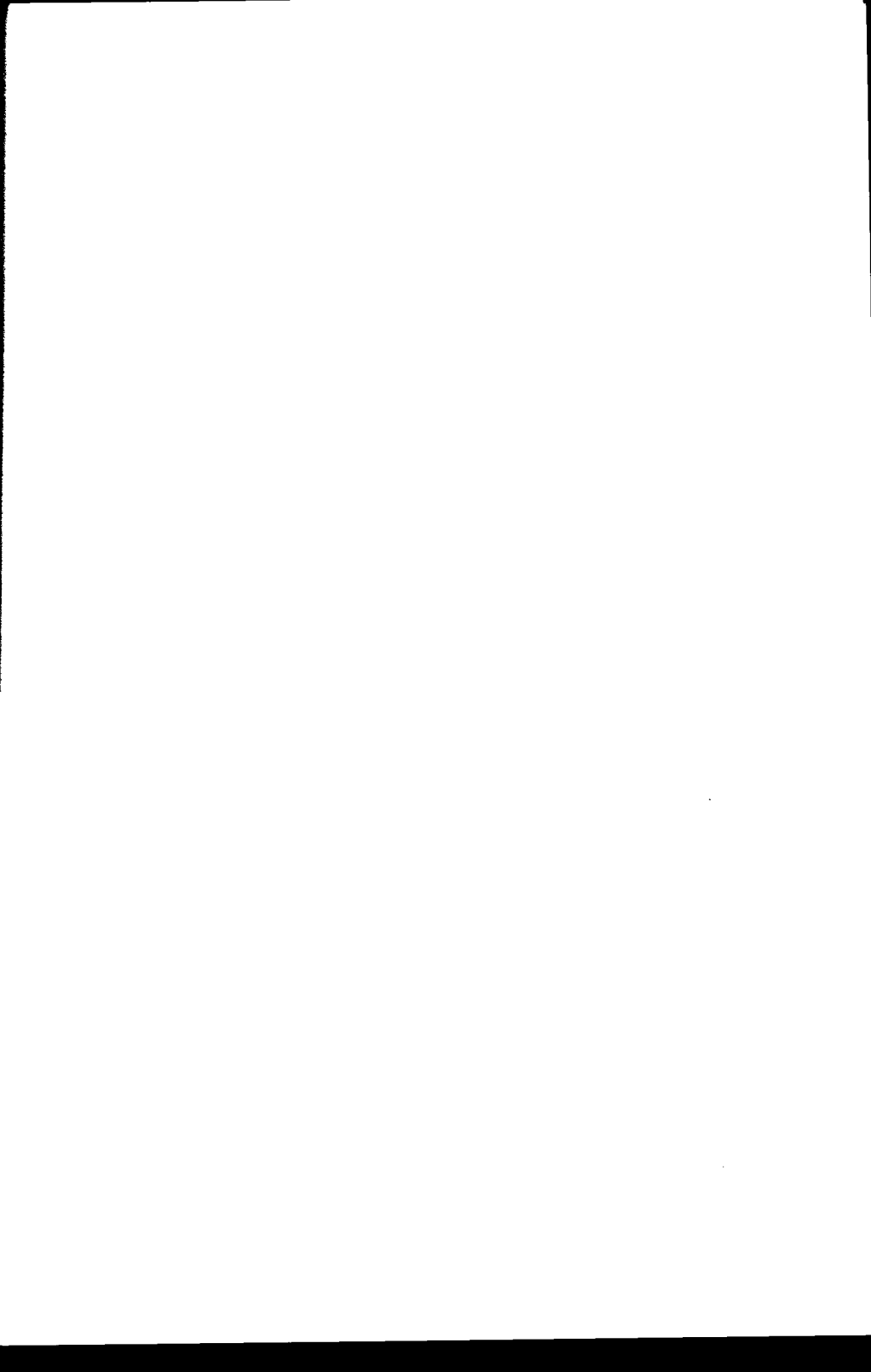
تقدیم به:

ای. ای. دی^۱

این کتاب را به دوستی بسیار عزیز و
ارزشمند تقدیم می‌کنم و امیدوارم باز
هم به این سفر بی‌نظیر برگردم.

من مهربانی‌های به‌یادماندنی و ساعات
خوشی را که در مصاحبت با او داشته‌ام،
هرگز فراموش نخواهم کرد.

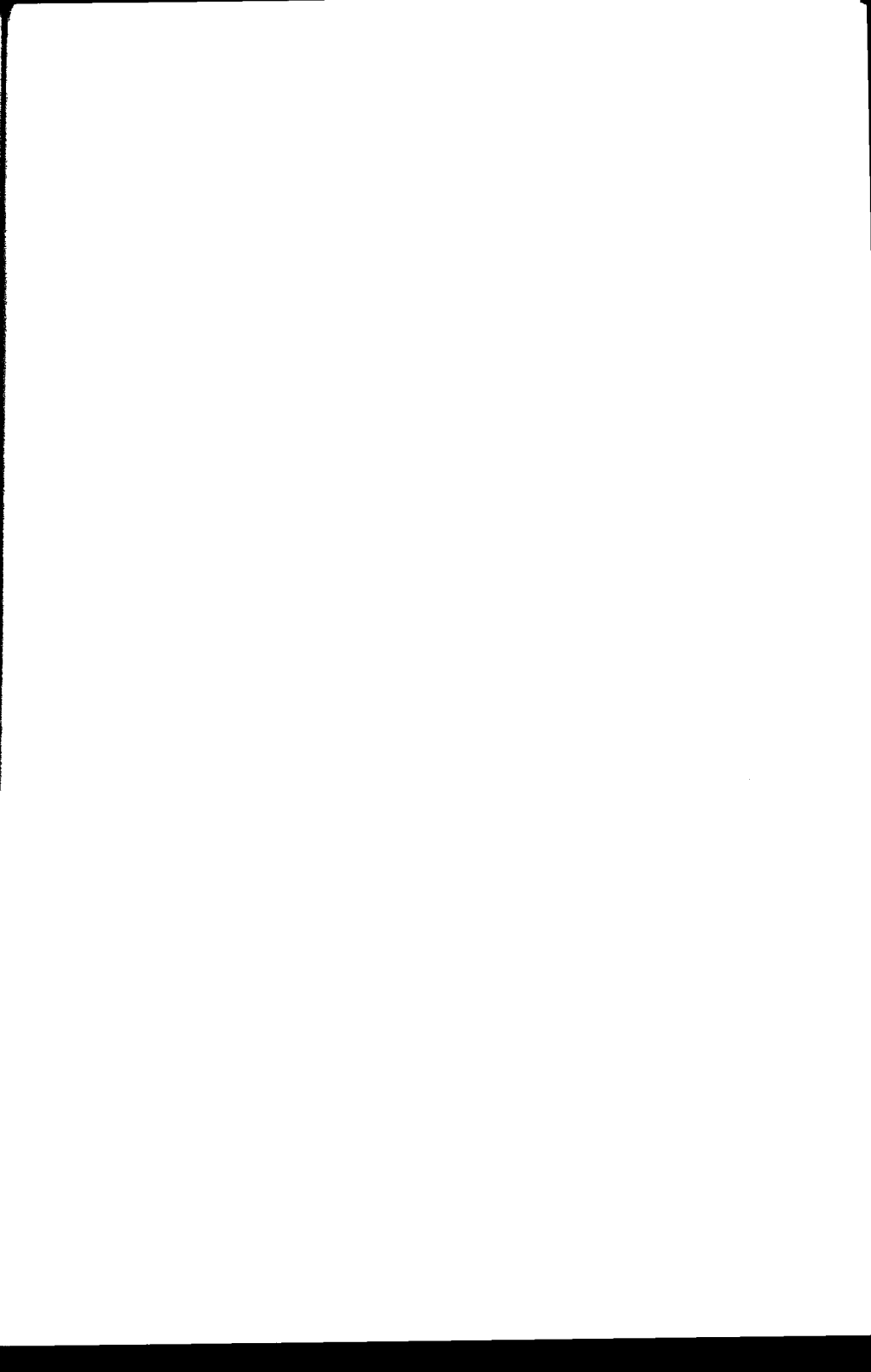
نویسنده



یادداشت دبیر مجموعه

سفرنامه‌هایی از این دست، مانند سفرنامه ویلیام بریتل بَنک به ایران در سال ۱۸۷۳ میلادی که اینک ترجمه فارسی آن ارائه می‌شود، اگرچه ردی کمرنگ از یک سفر شتابزده در امتداد یک مسیر عمده و شناخته‌شده، از جنوب به شمال ایران است و حتی در مورد عنوان اصلی‌اش یعنی ایران در دوره قحطی بزرگ نیز ملاحظاتش گسترده نیست، اما با توجه به کمبود داده و دانسته در مورد تاریخ ایران در این مقطع طبیعتاً حتی همین رد کمرنگ را نیز باید مغتنم دانست و در تلاش پُررنگ ساختن آن و دیگر ردهای برجای‌مانده از تاریخ معاصر کشور.

کاوه بیات



مقدمه مترجم

کتاب «ایران در دوره قحطی؛ روایتی از دیدار شرق و سفر رفت و بازگشت» نوشته «ویلیام بریتل بنک»^۱ می‌باشد که در سال ۱۸۷۳ میلادی/۱۲۹۰ هجری قمری از مجموعه کتاب‌های دانشگاه اکسفورد چاپ و منتشر شده است. نویسنده آن یک ماجراجوی کنجکاو اهل انگلستان است که در سال ۱۸۷۲م/۱۲۸۸ هجری سفری از جنوب ایران به شمال کشور داشته و دیده‌ها و شنیده‌های خود از این سفر را در بازگشت به انگلستان نوشته و منتشر کرده است.

ویلیام بریتل بنک در سال ۱۸۴۲م در شهر وینستر، دربی شر انگلستان متولد شد. پدرش بنجامین^۲ و مادرش مری هادفیلد^۳ نام داشتند. ویلیام بریتل بنک هنوز خیلی جوان بود که به کشورهای مختلف دنیا، از جمله کانادا و آمریکا سفر کرد. در سال ۱۸۷۲م که به ایران آمد، جوانی سی ساله بود. وی در برگشت به انگلستان، حاصل مشاهدات و سفرهایش به شرق و از جمله

1. William Brittlebank.

2. Benjamin

3. Mary Hadfield

هندوستان، برخی از مناطق عربی خلیج فارس و سرتاسر ایران را، در کتاب نسبتاً کوچکی چاپ و در سال ۱۸۷۳م منتشر کرد. بریتل بنک عمر کوتاهی داشت و در سال ۱۸۸۱م و در حالی که فقط ۳۹ سال سن داشت، دیده از جهان فرو بست.

با وجودی که حدود ۱۵۰ سال از انتشار این کتاب به زبان اصلی می‌گذرد و در منابع فارسی، پژوهشگران ایرانی بارها به آن استناد کرده‌اند اما ترجمه آن مانند بسیاری از منابع مشابه به تأخیر افتاده بود. در ترجمه این اثر علاوه بر راهنمایی‌های ارزنده پدرم سیدقاسم یاحسینی که ترجمه آن را لازم دانستند و مشوق من در این راه بودند، از توجه استاد مهدی عقابی نیز سپاسگزارم که زحمت ویرایش کار را برعهده گرفتند.

در ابتدا قصد داشتم مقدمه‌ای بر این ترجمه بنویسم، اما به دلایلی از این کار منصرف شدم و به پیشنهاد پدرم، متن ترجمه را برای دکتر ویلم فلور، ایران‌شناس برجسته و مشهور هلندی مقیم ایالات متحده آمریکا ارسال کردم و از ایشان خواهش کردم مقدمه‌ای برای ترجمه من بنویسند. دکتر فلور، با مهربانی و محبت خاصی که به بنده و به‌خصوص پدرم دارند، تقاضای مرا اجابت کرده و مقدمه‌ای به انگلیسی نوشت که آن را ترجمه و در ابتدای این کتاب آوردم.

چنان که دکتر فلور نیز فرمودند، این کتاب در تحقیقات ایران‌شناسی مربوط به عصر قاجار از اهمیت خاصی برخوردار است. نویسنده آن شاهد خشکسالی، قحطی و مرگ و حشتناک مردم ایران زمین در سال ۱۸۷۲م بود و مشاهداتش را با دقت روایت کرده است. امیدوارم این کتاب به پژوهشگران کشورم کمک کند تا گذشته تاریک و کمتر روایت شده کشورشان را بهتر و دقیقتر بشناسند. انشاءالله.

سیده فاطمه یاحسینی

تهران، زمستان ۱۳۹۶

مقدمهٔ دکتر ویلم فلور بر ترجمهٔ فارسی این اثر

برای بیشتر ایرانیان، گرسنگی یا بدتر از آن، قحطی، موضوعی است که معمولاً در جاهای دیگر دنیا رخ می‌نماید. آنان حتی خبر ندارند که زمانی نه‌چندان دور، ایران هم به گرسنگی و قحطی مبتلا شده است. بعد از سال ۱۳۲۵ شمسی که قحط اندکی وجود داشته، ایرانیان، گرسنگی گستردهٔ دیگری را تجربه نکرده‌اند. ایرانیان زندهٔ کمی، سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ و قحطی‌های آن زمان را به خاطر دارند؛ هنگامی که نان، کمیاب، گران و بی کیفیت شده بود (نان سیلویی). قبل از سال ۱۳۲۵، قحط و گرسنگی در ایران، دوره‌ای بوده است. این اتفاق‌ها معمولاً استانی و نه ملی، و آن هم به علت نباریدن باران یا هجوم ملخ‌ها می‌افتاده است. البته برخی از قحطی‌ها، در تمام کشور اتفاق می‌افتاده؛ که شاید بدترین آنها در سال‌های اخیر، مربوط به قحطی بزرگ بین سال‌های ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۸ قمری باشد. هزاران نفر، نه‌تنها از گرسنگی، بلکه از بیماری ناشی از ضعف مردند. در واقع، گرسنگی باعث آسیب‌پذیری آنان در مقابل انواع بیماری‌ها شده بود. امروز هیچ‌کس از آن دوران سخت زنده

نیست تا به ما بگویند که در آن زمان چه رخ داده و مردم چگونه با گرسنگی کنار آمده، زنده مانده یا مرده‌اند.

متأسفانه منابع کمی به زبان فارسی وجود دارد که قحطی بزرگ را شرح داده باشد. همین منابع اندک در دسترس هم حجم کمی دارند؛ گاهی اوقات فقط شعر هستند، و هیچ‌یک از آنها، کل داستان را شرح نمی‌دهد. این منابع هم در سطح محلی هستند؛ برای مثال، فقط اطلاعاتی در باره کاشان یا قم به ما می‌دهند.

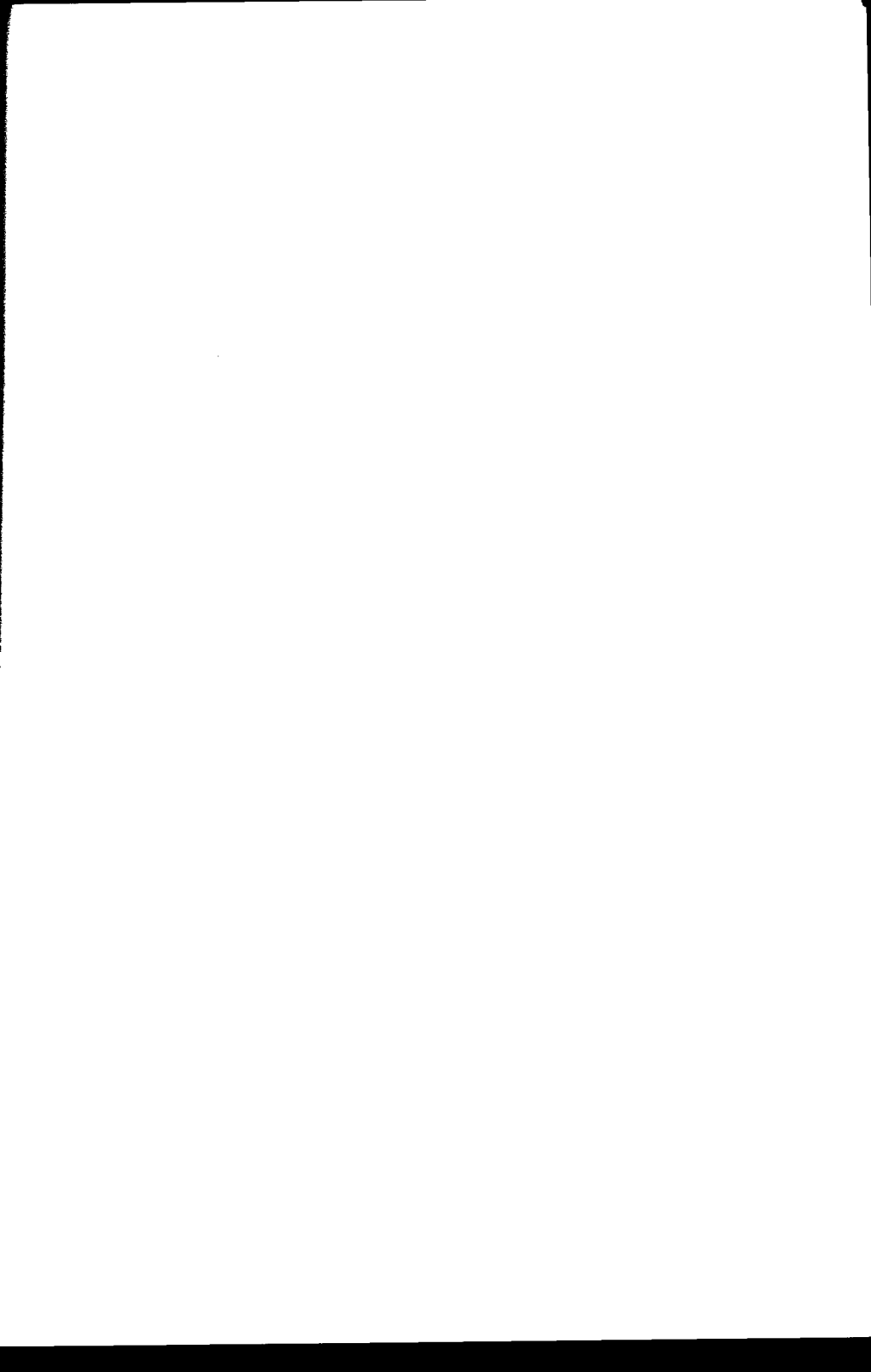
خوشبختانه یک منبع انگلیسی وجود دارد که داستان قحطی را کمتر از دید محلی گفته است. در سال ۱۸۷۲، آقای بریتل بنک پا به ساحل بندر عباس گذاشت. وی بعد از آن به بوشهر رفت و از طریق شیراز به اصفهان و رشت سفر کرد. وقتی به لندن بازگشت، کتابی به نام «ایران در دوره قحطی» نوشت. او به هر جایی که قدم گذاشته، رنج مردم را دیده و آن را با دقت وصف کرده است؛ این که چقدر آنان تیره‌بخت بوده و مثل مگس به‌راحت می‌مرده‌اند. او همچنین به ما یادآور می‌شود که زندگی می‌گذرد، و مهم‌تر از آن، این که اگر کسی پول داشت، گرسنگی هم نمی‌کشید. در واقع، علت اصلی گرسنگی نه‌تنها در ایران بلکه در همه دنیا، همین مسأله است. گرسنگی، در جاهای مختلفی وجود داشته، و سبب آن، نبود غذا نبوده؛ بلکه مردم پول نداشته‌اند تا غذا بخرند. برای افرادی که تمایل دارند در این باره بیشتر بدانند، پیشنهاد می‌کنم کتاب «تاریخ نان در ایران» را مطالعه کنند.

کتاب آقای بریتل بنک که الآن شما می‌توانید آن را به فارسی بخوانید، چیزی بیشتر از تیره‌بختی صرف مردم را به شما نمایش می‌دهد؛ چون این کتاب، یک سفرنامه است و همه‌جور اطلاعاتی را که برای یک مسافر خارجی، جالب‌توجه، گیج‌کننده یا جذاب بوده، در خود دارد. بدین ترتیب، این ترجمه، کتابی مناسب برای آن دسته از ایرانیانیست که انگلیسی

نمی‌دانند؛ اما به تاریخ و گذشته کشورشان علاقه‌مند هستند. در این کتاب، آنان با اجداد خود در شهرها و روستاها آشنا می‌شوند و روش‌های سفر و نحوه زندگی مردم آن زمان را فرا می‌گیرند.

خانم سیده فاطمه یاحسینی، با ترجمه این اثر، این خدمت را برای ما به انجام رسانده است. شایان ذکر این‌که نسخه الکترونیک این کتاب، حدود ده سالی منتشر شده بود؛ اما استفاده محدودی داشت و اندکی از محققان آن را خوانده بودند و بسیاری از افراد حتی از وجود این کتاب آگاه هم نیستند. بنابراین، این ترجمه، یک اثر مهم برای دانش ما از دوره قاجار و زمانی‌ست که هم انسان‌ها و هم حیوانات از گرسنگی رنج می‌بردند.

واشنگتن، ویلم فلور



مقدمه مؤلف

این کتاب که در سال ۱۸۷۲ نگاشته شده، روایتی از سفر من است که گزارش آن در صفحات آتی خواهد آمد. ایران، در آن زمان، دچار قحط و گرسنگی شده بود. برای همین، افراد کمی علاقه داشتند که به آن کشور سفر کنند. اما علاقه و عشق من به ماجراجویی و سفر باعث شد که تصمیم بگیرم از هند به ایران بروم و سپس از طریق دریای خزر و رودخانه ولگا به اروپا برگردم. وسعت و دامنه قحط در ایران، واقعاً دردناک بود. من قحطی را از بوشهر تا انزلی مشاهده کردم. آثار قحطی، در تمام روستاها، شهرها و دشت‌ها دیده می‌شد. در واقع، این روندی است که آن را در کتاب خواهید خواند. من به تشویق دوستانم و نه اعتقاد به نویسنده بودن خودم، این کتاب را چاپ خواهم کرد، و اگرچه این کتاب را با کم‌رویی منتشر می‌کنم، اعتقاد دارم که با تمام کاستی‌هایش ارزش وقت گذاشتن و مطالعه را دارد.

همچنین اعتراف می‌کنم که در ابتدای سفرم قصد نوشتن ماجرای سفر یا کتابی را نداشتم. برای همین فقط اندکی از تاریخ‌های مهم، اسامی شهرهای مشهور یا تاریخ ورود و خروج از بعضی جاها را یادداشت کردم. بنابراین،

تمام یادداشت‌های سفرم را با توجه به حافظه و چیزهایی که در خاطرم مانده بود، نوشته‌ام. برای همین ممکن است بعضی جاها چیزی را اشتباه نوشته و به‌ویژه در نوشتن نام‌ها دچار مشکل شده باشم.

ویلیام بریتل بنک

مه ۱۸۷۳

[ربیع‌الاول ۱۲۹۰ ه.ق.]